

نویسد

(۶ صفحه)

(وابسته به حزب توده ایران)

سال سوم، شماره ۳، شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۵۷

رژیم شاه درین بست



سرنوشت کودکان گرسنه و سرگردان
به مناسبت
اول ژوئن
روز جهانی کودک

شاه و غربت، پستیهای که بر اثر فشار جنابم نیروهای ملی و میهنپرستانه توده ای و تحولات ژرف جهانی به عقب برداشته، آماده بن تحریک و پهنی دامنه دار شده اند. شاه در مضایق کفک نشانی صاحبی بسیار خرنگر "تیکاگوربین" باخوشنحسی و بیچارگنشدنی ناکند کرد که "مافان زائر همواهم شکست" شاه با این ناکند بر روی ارمایه های پوج و میرنگ کن فلی خود را بر تعجب سیاست به اصطلاح "مد اکثر آزادی" کبیرهای لرها باهای و عقی بصر در برابر همبکرده بود، خط بطسطن کنشد و روترهای خشونت بار و راهی و اختنای را مورد تانید قرار داد. ازینک دو هفته پتر از آن اختنایات وسیع وسی حد بیان ساواک، کسند ماخر به طر نسی تعدیل و صمد بود شد. بعد از بازگردد تده بود. ضمنی از اختنایات احرار ساواک از چند ماه قبل به شهرهای محول شده بود و ساواک عدنا بخریت سارما، حاسوسی و کسب اطلاعات را با می کرد. با این محدودیت نسی و طریقه اصلی ساواک جمع آوری اطلاعات اختنی و شناسایی کرده ها سازمان ها و عناصر صافی بوداقداری. نمای این اطلاعات به مستولان شهرهای بود. اما شاه، شرکا، ناگهان تغییر سیاست دادند. آنها به این نتیجه رسیدند که روزی که تارک و ریشه ناسد و گندیده است و در باها حق آن را از مردم جدا می سازد و در نطی عمر نیکت بار خود جز با زبان گویه و تازیانه و داغ و در فترت زندان با حقن های جهن ماسخ ننگنه و سبه شاه صوبه و لام و ارمانی، همواره سر بر آستان امیرالیکم جهانی سائیده است. به این نتیجه گران و میانتکاران سارما استیکاری از پیش نسی بود. اولین نمره احیای وسیع در رت اختنایات جبهتی ساواک و تمسیر سیاست واقداری میکانسه

بیماری از دستگیر شدگان نظهرات و حرکت های انفرادی به صلح در اکثریتی وسیع این قبل شجیان به صلح نظامی بود. یکی دیگر از جلوه های این سیاست کور و کور سرزده و ناکندیا، بازداشت های وسیع در دانشگاهها، بستن کلاسها، مصلح کردن نرم های تحصیلی و اضرار گروه دانشجو با این جاز بود. در حلقه حصرانه روسای دانشگاههای کشور که روز چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت ماه در مصل دانشگاه تهران برگزار شد، نماینده ساواک که در واقع نقش کارگردانی حلقه را داشت، ناکند کرد که سیاست آموزشی کشور باید تابع سیاست های عسوی سلطنت باشد. ضمنی سرشت اصلی رژیم شاه و در این صده لا شعورهایش و ناکندیا، می دهد. باید صحر اساسی بر ناهما و تصحیحات صمدی لان، و کارگزاران دانشگاهی باشد. بیه است که از دیدگاه حنین سیاستی، به زندان سخر از دانشگاه به عر صعب بین سراسر استادان دانشجو نیاز است. در چنین عقی حلی صحروری روسای دانشگاهها که همه انتظار داشته حد اقل با تصمص رحیدن گورد های شهرهای از صحن دانشگاهها تمام شود، به برنامه شدند. بعد شهری جدای و سر نیز برای داد و نمود کارها را در دانشگاهها از سر و نخبیت آنها رانانید کرد. به سر شد خط در حال استادان ناراضی و معترض صحره کداشت. ناکند کرد که حقوق و کتبه فرا پای اخصای هیات های آموزشی که به مخالفت با خود صحری ها و جنایات رژیم بر عزیزند، و نیز کتک هزینه دانشجو با این جاز بود در دستک قطع نمودها اضرار وسیع دانشجویمان رزنده، دانشگاه ها تعصیه کردند. به توصیه ساواک سیاست سر با زحمانی در ناکند در صحره

اختیاراتی و اهرامی است. طر ردم این همه شکجه برخلا اصل ۷۶ ضم قانون اساسی کفلام می در لرد، در و اورد نظهرات صیاحیه و نظهرات هیبت نظهرین در صحرانسه حاضر خواهند بود. و به استناد اصل ۷۲ ضم قانون اساسی "تصاحات راجع به حقوق سیاسی مربوط به صلح حد لیه است" هر اهم مثل هزاران زندانی سیاسی به در دانشگاههای نظامی شهر تهران محول شده و در آنجا بر خلاف قوانین فعلی الذکر به طور صحری به حق حضور هیبت نظهرین صحرانسه کرده. به عسیر رانم حکوم نمودند. از اولین لحظات بازداشت که از شهر خود به پایتخت انتقال داده شد تا چند ماه بعد از صحرکت تنه طر عر قاضی صنوع اطلاعات و صنوع الکاله بود و این امر خانواده ارمایه ها اسیر و سرگردان نمود و توس از سرنوشت فرزند صویجات نگرانی و ناراضی های روانی بیش از حد آنان را فراهم نمود. بعد از صحرکت تنه نیز بلافاصله به زندان دیگری تعصیم کردند. هدف رژیم از تعصیم صضم (زندانی صحرانی) بعد و نیزین نظاط کتجه جز ۱- وارد آوردن صحرانسه صحرانی به عر خاک صحرانسه نماندن تمام اخصای صحرانسه ۲- ایجاد جبر و در نتیجه صحرانسه صحرانسه صحرانی ۳- کشتن صحرانسه های نظاطی ۴- تعصیم در صحره

رواست صحرانسه کسبون حقوق بشر اکنون هفت سال است که اینجانب بهر عر صنوع فرزند حنین خولد نیزین آمو زنگر بشین در صحرانسه آرمیاجان به حرم این که عقاید صحرانی بر خلاف صصل مرکز کنترول عقاید و اندیشه های حکومت حاکم بوده و به با حلقه سلطانه ماحوران سازمان اختی بازداشت تمام وار اولین لحظه اسارت در زهره به ترین شکجه های حسی روسی فرار گرفتارم کاتوان آن برای تمام سازمانها بین نظاطی ورود آزاد بخواد و شرقی جهان شناخته شده است. با توجه به پرونده ساختگی در صلح این شکجه های غیر انسانی اختیاری کند لبر تانید انتیامات ولرد و در دانشگاههای نظامی باشد از من نگرینت اندیها توجه به اعلامه حقوق بشر که در وقت نیز حفر و نشت شده در این صحرانسه را در طر صحرانسه خود قبول دارد و به استناد ماده ۱۰ آن اعلامه که بیان می نماید "اصفا را نمی توان تحت شکجه یا مجازات بار صحرانسه قرار داد که ظالمانه و بر خلاف انسانیت و شرف بشری و با حوسن باشد" و همچنین به استناد ماده ۱۳۱ قانون مجازات عسوی "اصفا شکجه غیر قانونی بوده و کتبه اختیارات صحرانسه در زیر شکجه چه بر طریقه صحرانسه چه بر طریقه دیگران ناکند

نامه تکان دهنده
از شکنجه گاه
این نامه ای است از زندان و صدای است از اصفا شکجه گاههای دوزخی شاه. آنچه در این نامه تکان دهنده آسند است و سنده زندانی است برای رسوایی ای به رژیم صحرانسه که تاریخ صحرانسه کسر نظهر آن را به یاد دارد. "بچه" صین نامه رضی جلیز بهر عر حفری را برای نیت در تاریخ و افشای گوشه ای از بله های ناخناهی در و در صحرانسه ایلیسی شاه چاپ می کند

کارگران ایران، در راه احیای سازمان های صحرانی و سیاسی خود مبارزه کنید!

رژیم شاه در بن بست

برای دانشگاهها تجویز شد ملاقاتها به مرحله اجرا در آید. اما برای آن که نقش مستقیم ساواک و دولت در پیروید این سیاست خشن سرافرازانه ای به پشت پرده بماند، مستصحب سفره ای هم تراشیدند. بدین وسیله توضیح و تفسیری در پیروزیهای نامی که سفته می شتر کردند که دانشگاهها از این پس "مستقل" می شوند. که بعضی هر روز به تصمیم فد دانشجو می رود علی کبه اجرا در می آید. و دست پخت خود دانشگاههاست و دولت و ساواک در آن دخلتی ندارند!

شاه به سم آخورده. او بر گشت کجا توجیل به دست خیرترین روش های سرکوب میگشت. تیراندازی و مایه های رانگ میخ بخت میخ به دیوار دیگتوری می کهد. و عاشق کند. اچه خیر شیکاگو پیرین گفته است تا وقتی با لاطمیت عمل می شد، از آشوب و تظاهرات خبری نبود. شاه در لایه ای این کلمات فراموشی زند که بهم بزرگم خورده او نه توانایی و نه ظرفیت باز زدن فضای سیاسی کشور را ندارد. کوشش فریغ آزادی و جزی می ترین جریان هوای تازه، این حیوانی گدیده را که سد راه هرگز نه میبرد و تحمل چاقوی است و ملاشی می کند. شدت عمل و عجز و نریزی و ضلوت و کوله باران کردن مردم می سلاح بهب اندازی به خانه مظالم، وسیع گده های اشترار و چاقو کسان و جوانی به ستان طایفه مظالم و دلیل ضعف آنگر گره به بختی و لذت و تعیین حاکم است.

شاه احساس می کند زیر پایش لرزه در طرف این یکی دو سال کفری بر وجهی مانده است. مردم مردم دیگری شده اند. تری ها ریخته، زبان ها باز شده. در کوچه و خیابان و سرتاسی و توبوس و در صابسی و نانویی و در اداره و دانشگاه و مهم تر از همه در کارگاهها و کارخانها. آنجا که ارتش ملیونی و شکست ناپذیر انقلاب در فکر تدوین یک نظام عظیم غیبتی است. حرف ها و نسا رها می میهن آتش زنده بر دربار می باشد. شدت ها و جنبه های می صومعه از خم و تراخالی و صمیمان و دیگتوری را نه بدید می کنند. و ضرورت تفسیر وضع تحمل و جاو کردن در دروسته استبدادی و زینه مشترک همه بخت ها و نسل حاضر و جلالی است. مردم به در راه ستیو آمده با این سوداها در شهرها و دانشگاهها به استقبال کوله و تانک و سرنیزه می روند. از جان خون هر شهید و ده ها مبارز تازه نفس می می خیزند. هر که مثل ترسک و رب آگرو سواک که درون آن با سرور و شایعه و ترسیر انباشته شده برنگ باخته و از اہبت افتاد است. شاه می داند کدر چنین اوضاعی مردم به حرکت در آمده به هیچ چیز جز سقوط او و رجاله ها و روسپیان سیاسی دور او را نمی بینند. بنا بر این هر دم عقب نشینی او و گداه عقب نشینی های بیشتر است. هر امتیازی که از دست می دهد و تفسیری است که به طایفه می که بر گردن او افتد و منتظر خواهد شد. با این محاسبات همه آرزوی شاه و چکه بر شان و انگ های بهم متعلق او با گرد اندن اوضاع به شرایط نسبتا آرام گذشته است. با این خواب و خیال هاست که شاه تندی می کند که "مظالمان را مردم خواهم شکست. اما این خواب و خیال تا چمانند از قابل تصور شدن است؟

بگذرید. جواب این سؤال را از زبان یکی از ممبرها معتبر و شناخته شده خود هم به هم. سناتور سامیور بار و همدم تری به جناب محترم و رفیقان همکار در سنوات گذشته و معترض سیاست های امپراطوری کوفی رژیم و مدافع قاطع تر طبق حاکم میندس جفرودی در حد و دردی و ریز پیوسته به اجتماع نسبتا خصوصی که در صلح سندیگی و شرکته های ساختن ساز برگزار شده بود. به نتیجه و تحلیل اوضاع ایران به این نتیجه گیری رسید که "ما شناسا تصمیم در ارتد اوضاع را به حالت ساواک برگردانند. اما بین تصمیم ایشان و امکان عملی شدن آن خیلی جای حرف است. آنچه محرز است اینست که جامعه بهر کس جامعه چند سال پیش نیست."

پیروزی زندانیان اعتصابی قزل حصار

اعتصاب خفا ارتقا داده بودند. خواست های صدها اعتصابیین صبرت بود. از اجازه ملاقات به اقوام درجه دوم، دریافت کتب و نشریات که در داخل از زندان مجاز است، امکان داشتن نامه های دوچ برای هوزندانی. زندانیان اعتصابی در نتیجه یکبارگی و بهر روی خود در حلقه حقوقی تمدن به بعضه خواست های خود دست یافتند.

زندانیان سیاسی زندان قزل حصار از هفته ها طاقت و پایداری حقوقی شدند. حلقه اعتصابی خود در ابعده پیروزی قلمی برآوردند. این زندگان در بند از هفته ها پیش برای دست یابی به خواست های اولیه انسانی و حلالی خود دست به اعتصاب ملاقات زده بودند. و از برهالت جیره غذایی زندان خود دلبری می کردند و آخرین خوراکی رسیده نشان می دادند که پاره ای از زندانیان حلقه خود را تاحسه

جفرودی به طرفه ایران خود داده اند. ایران امروز دیگر ایران سالان طلایی استبداد خود را نگذاشته است. جهان امروز هم با جهان در پیروزی زیادی دارد. کنگره بروخ ها و تبلیغات و صنایع های شاه و شرکته به ته دیگ خود، گرانی و تضاد و دیگتوری و بیرونی های اجتنابی و شهری بهد اشتی و بیژنگی و آموزش و سیاسی و اقتصادی شکست همه و پناه ها و صحنای بهم جان مردم را به لب رسانده. سیاست انحصار گریسته نظامیگری، تاراج دلار های نفتی و اشغال خزنده و عاشق کشور به وسیله ده ها هزار کورفنا و متخصص و دستیار امریکایی و اروپایی همه راه خشم و طغیان کشیده. در کنار این واقعیت و حضور طبقه کارگری الفیو نیرومند گسترده ای که حجم آن از ده میلیون نفر می گذرد و نشان طمعت جبهه انقلاب به تحمل و وجود ۱۰ میلیون معمل و ۳۰۰ هزار دانشجو در داخل و خارج کشور و نیروهای ۵۰ و ۱۰۰ هزار کیب مصلی و سیاسی، ضابطیگر و صحت آگاهی و جریان گسترده فرهنگ ختری در کشور است. با سرنیزه بران همه ساله و ضروری نمی توان فانی آمد. در این چشم انداز و عوامل و عناصر و از کوشش کننده در دروسته دیگتوری حاکمان اعتبار و توانی هستند که قادر باشند به پیروزی قلمی بمانند. اما میزان طب زدن استبداد و کوشش فضای سیاسی و اقتصادی و درجه پیروزی، به سستی نام به زمینها و شرایطی دارد کفر و اس آنها با سستی و هوشراری و اتحاد عمل همه نیروهای دیگران و کوه استبدادی از فرار دارد. برانگیختگی نیروهای ملی و ختری و صف آرایی جدا جدا ای آنها به استبداد زخم خورده این امکان را می دهد که با کمترین گدشت و مدال و بها، با وضع احساسی مردم خط کشد و به انتظار فرصت های مناسب بمانند. آنان که برای احیای آزادی و خشم به صدای بانگی ها و صحنای و شکست و کاسیکار حقوق بشر دوخته اند و کسانی که هنوز امید به بخشش حقوقی با پمال شده مردم از طرف این رژیم شد دیگتوری و مدخلی و معیوبی می آیدند دارند. هر دو به یکسان دچار خمش خیالی و توهم اند و همین رؤیایان هستند که از یک سو برابری حکومت جلادان و زتلر اگزان کرشمه می کنند و چراغ سبز نشان می دهند از سوی دیگر برای جلب نظر سلفه رژیم به نیروهای چپ و دیگتوری های واقعی و می کسر جامعه ما می نازند و در فرضی به سوی آن ها لبین می باشند. این سازکنگاران و خام دلان از کوه نیز چند گدهان انتظار و دراند که خنجا و خیالی می بینند. خطوط ضربه زانگانی داشته و سرانجام طعم چنگال های نیز دست خونی را در گشت پیوست خود احساس کردند. بدین این تملات تکیه به بنام سازکنگاران و همیعدا مانع جدی در برابر اتحاد میوند نیروهای ضد استبداد می صرف نظر از گرا و مطالبه و صلح های آن ها وجود ندارد. بدین تشکیل چنین جبهه واحد و گسترده ای دشمنی چپ بر دشمنی تا این حد و نظریه ضلک و جملعه آگرو پرو باخته و طاری از برای جنگ دشواری بر سر مطامرت است. و پذیرش این ضرورت حیاتی و تاریخی و جز با افزودن دست نیرو و چپ و صبر و اس آن ها حزب طبقه کارگر ایران و حزب از آب و آتش گدشته توده و صبر واقعی است.

این کلمات که علی رغم کهنه اش سرشار از واقعیت است و هنگامی ظهور حقیقی تری می باید که در نظر بگیریم جناب میندس جفرودی از ولایتگان می چنین و برای امپریالیسم امریکا و از حلقه پیرین جناسی از دیگتوری های بانگی است و از چنده ماه پیش ملاقات و پشتکار تمجب آوری در تلاش ایجاد یک حزبها سازمان سیاسی است. میندس جفرودی در همان جلسه یاد شده که یکی از نخست های حزب او بود که فراموش کرد. از جابرای دیگری نیز که روشنگر بهیاری از جواب سایل ایران است و برده برداشت. او گفت که اطلاعات حقوقی دارد که کاغ ضربه نشینان و اشکن اغیر توسط یک فانی امریکایی به شاه پیام داده اند که اقدامات امپراطوری سرو سامان دادن به اوضاع از طریق بازگشت به قانون کند و تیرگان کنند. ماست. حضور واقعی بهایی که فانی امریکایی همراه خود آورده هر چه باشد، به که امر روشن می کند و آن این که بین ضلعت نیایی و دراز مدت امپریالیسم با صالح شخصی و سیاست های دیگتوری ایران تضاد های وجود دارد. امپریالیسم که آگاه است که توان قدرت ها در کس جهانی به هم خورده و نیروهای صلح و مساویسم ختری به صورت عامل تعیین کنند جریان و صور حرکت تاریخ در آید اند و شیوه های دیسی اختصار نیز در کوشی و چهارل و روابط دیگر کار ساز نیست، به محنت جویی شیوه های تازه و نقاب های ناشناخته تر بر آمده و میاهوی ضلعت ختری بخوبی از شکر های این شامی تری بازی های سیاسی است. اما به نظر می رسد که شاه در خواب خروگوشی طولانی خود از مشاهده و درنگ تحولات ضرورت های جهان پیروزی که در آن سرک رویی سکنه نیست به اجاسر خنده و همچنان دو دستی به سلاح کینه داغ و درفش و طنک و چو به های در چسبیده است. این رویه خشن آبیخته به چنین حضور و ضلوت سکن است یک چند سطر ط حتی تاج و تخت ایران آواره تحویل اندازد. اما در دراز مدت ضلعت حیاتی امپریالیسم را هم دچار مخاطره میکند می گذرد. چنین است که شاه بر سر یک دور راهیسی ایستاده به یک گرایش از روی رژیم او را به طب نشینی های تاکتیکی، الهیای صوری برای از حلقه قانون و پامال شده مردم می خواند و گرایش دیگری که با دل شاه ضلوت است در برابر هر چه عقب نشینی به اوشد لری دهد و او را بر حذر می دارد.

حرکت های اغیر رژیم شاه گره بر آست که گرایش دوم فراموشی تری می باید. جنبش گسترده و انج کورفده دیگتوری چنان وسیعی گرفته که شامل زمینه های حضور آشام رژیم را جدا به و وسعت انداخته و پایه های خونی تخت سلطنت را به لرزه در آورده است. برای شاه هیچ روزنه امید با زینست و سر این فضای یاس آور و داخلی و جهانی او از به سوی گدشت با پارایی از اقتدار سوزن ل تر مخالفان بعضی از گروه ها و جریان های مذهبی کسار می باید و از سوی دیگر با سستی کردن پیچ و پوره ها و از کوشش و تصمیمی جنبش شد. دیگتوری جلوه بگیرد. این که آیا او خواهد توانست توان سنجشی را که به تفسیری غلطی بر خاسته مهار کند و جوانی ضلعت تر از آنچه میندس می

نامه تکان دهنده های از . . .

سیاست حکومت فشار و زورگویی به خاطر قطع نمودن ارتباط زندانی با خانواده و زادگاه خود - چشم نمودن زندانی از حمایت مادی و معنوی عناصر آگاه و چیز دیگری نیست . در زندان سفید بود که هر لحظه از زندان کشیده می شد به سلول انفرادی به معنای استیصال از سرگرمی تدریجی آگاهانه و تحمل فشار و فشار شکنجه های غیر انسانی شبانه روزی بود . ایجاد رعب و وحشت صرفاً به خاطر به وجود آوردن یک جو پلیسی و اختناق بود که در آن هرگز نه حرکت بعدی حق طلبان زندانی سرکوب گردید تا بلکه این ایام شدن حقیق زندانیان سختی به همان حد نماند . در سلول پر از شیخو شعبان از پیوسته ترالده بدین که چکریکین تا پیش آفتاب ماهها با سرگرمی دست و پنجه نرم کردم . زندان همانها حتی از دادن کسی که دیگران اهدا کرده بودند خود داری می کردند . تنها چیزی که بدین وقت از آن برخوردار بودم صدای ناله و فریاد زندانیان بیگناه بود که در زیر شکنجه های شبانه روزی در فضای سیاهسالن نشین می انداخت . صدای زنجیرهای پابند بلافاصله جای دادخواهی و فریادها را می گرفت . ایستادگی و پختنایی کردن از خواست های بشری حق زندانیان موجب توهین و زورگویی بیش از همه زندانیان را فراهم می نمود و در نتیجه با آوردن یک قسم شرف به موت و مبتلا به دهنها امراض سرری به سلول من ماهیت فد خلقی خود را نشان دادند ، مرضی که بنابه انفرادی پزشک زندان اگر به بند زندانیان هادی فرستاده می شد صلاحی تا آنجا ها را به خطر جانداختن می برسم آید که ام نظام پزشکی حکومت زندانیان سیاسی در برابر امراض سرری و خطرناک تأخیر و به اثبات رسیده است ؟ زندانی بیگناه بعد از دو سه روز بدین که چکریکین اهدا می برتنگی از نظر امراض سرری در سلول جان سپرد و زندانیان بدین توجه به حقوق بشر و نظامی قانونی من از شد حقوقی کردن محصل دایمی زندگی (سیاهسال مرگ تدریجی) من خود داری گردید تا بلکه شکنجه های روانی مرا صد چندان نمایاند . طی مدت ام شکنجه نتوانستم بهر وسیله تسلیم طلبی را در من نشاند و هر چه آنچه که رشد نمود آگاهی من از ماهیت بعد خلقی حکومت فشار بود و ماهیت غیر انسانی شان لحظه به لحظه روشن تر می شد تا این که در تابستان سال ۱۳۵۱ نیمی شب با برنده سازی های فحش و قبیله آمیز نمودن شرایط و زمینه اعتراض و اعتراضات بیرونی زندان کشانده و در حالی که بعد از بستن دست ها اینشت ، باهام را به فلک بسته بودند در روی خورده سنگ ها خورده خسته هاسانها شکنجه ام دادند و بدون توجه به خونریزی بازاری راستم از پشت دست بند زده ولخت در روی سیمان ها خوابانده و باهاشان برونه ساختگی و انتقاماتی که به طور فوری به هوس زندانی سیاسی وارد می کنند - از قبل تا به یک کویتمتس و تو همین به مقام سلطنت و تحریک زندانیان به شورش و غیره به بندر عباس تبعید کردند . به زندانی که از گذشته های دور خاطرهای در د آوری در آن هسان خلق های زحمتکش ما به وجود آورده و بنابه حال صد ها نفر از گراما و شرجی توام با شکنجه زندانیان ها در آنجا مرده و صد ها نفر کم و کور شده اند و هزاران خانواده چشم به راه بازگشت عزیزان تبعیدی خود مانده اند . در این زندان دوری بیش از دو هزار کلوستر از خانواده و گرمای سوزان و شرجی زده به پلیس افسان می دانگه سیاست حکومت فشار و اختناق را به یکسید ترین وجه انتقال نماید . رفیق سعید کلانتری را که از هورلر در آن شکنجه بازجویی به واریس بیضه و آسم مبتلا شده بود ، بعد از ۱۷ روز انحصار جسمی به بهانه محالجه به زندان قزل قلعه منتقل نمودند ولی بعد از

ماهها شکنجه همراه با نگر از بهترین فرزندان خلق به اتهام دروغین اهدا می فرارند ام نمودند . در این زندان هم پلیس برای تسلیم نمودن زندانیان سیاسی از فصل هرگونه صل غیر انسانی ووشیانه کوتاهی نمی کرد . با برخوردن این بدین تدریجی پختنایی لیبین ها و عناصر کجرو به داخل حواظ دانی خورده خسته و آشغال و غریه می ریختند و برای خرد کردن شخصیت زندانیان سیاسی به پیش شایعات کذب دست می زدند . در آن گرمای طاقت فرسا به طور صدی آب و برفی راضع کرده و با شادی و پانکسی و بانسخر از خلقی بیش از حد انانی های ننگیانی سخن می گفتند (ننگیانی و اتاق های زندانیانان به کز لرمجوز بود) . پلیس زندان با



پختنایی هیئت انتظامی شهریانی در هوای کشنده مردامه را به ضد کشت به سلول داغ و ضغن انداخت یعنی راه گیری محکوم نمود که در آن فصل سال هیچ جنایتکاری را آن طور مجازات نمی کنند . تمام بدین از شرجی و نرسیدن اکسین لازم جو غریز و هرم کرد و در قلب به طور یکی هر لحظه از مرگ تدریجی را بر اویم بسی زیر آور تر کرد . طی از مرگ یکباره محروم شدم . مدت بعد به جرم تسلیم شدن به زورگویی ها زندانیان با پختنایی گورده شهریانی همه رفتار به ضد بدترین و بیگانه شکنجه گردند و همه ما لیت بیلر خدمت بیک از رفتار به نام حسین خوشنویس و همشراز ۲۴ ساعت به علت ضربات وارده در حال بی هووشی ماند . شرایط غیر قابل تحمل زندان ، ما را محصلی بر توئی - رضی شهسود بهرین شخصی - حسین خوشنویس - بهرین خلقی) را وارد کرد تا با دست زدن به انصاف خدا در آن سلول داغ و پتنگ هر گدائی را به مرگ تدریجی توام با شکنجه و از نظر تو همین ترجیح دهم . ۲۳ روز انصاف با پابند و است بند اینشت . بیست و سه روز انصاف توام با زورگویی های انتظامی به سرنشد و اد خواهی ما . در روز هین روز انصاف بود که یک خاک دیوارهای سلول با غربا تیشه و کلنگ ماورین ساواک و زندانیان ها به سر روی ما ریختند . پلیس تا آخرین روزی گفت جو از دهن تان صفا در شده و هر لحظه که صاف شد به چالائی می کشید در دست ظل صد ها . . . دیگر . بعد از ۲۵ روز دست و پنجه نرم کردن با مرگ دوباره به داخل بند منتقل شدیم . تمام موجودی ندی و وسایل زندگی مان چهار ل شده بود . ماهها گذشت تا این که در مهرماه سال ۱۳۵۱ ما (حسین خوشنویس و محمد علی پرتوی بهرین خلقی) در حین فرار دستگیر شدیم و این بهترین بهانه را برای کشتن ما به پلیس داد . ما را بعد از دستگیر به ضد بدترین و بیگانه شکنجه کردند به طوری که بعد از چند دقیقه از لباس و عینک و ساعت ما چیزی به جانشانده بعد از چند روز شکنجه های مداوم توام با بازجویی های صلحی با زور و فرصتی به شکنجه و توهین پر داشتند . می سر وسجل درباره طرز سخره ای تراشیدند . با فرصت طلبی یکی از هم نهمی را بنام بهرین شخصی دانسجوری دانگه کنایه ریزی کرج و اهل مشهد به اتهام دروغین اهدا می فرار همزمان با ما شکنجه آمدند و با کمال بی شرمی و بیستی به تله طه مامور برابر انظار زندانیان عادی با توام استعمال نمودند . رفیق بهرین و رضی صنی بعد از یک هفته تحمل شکنجه های جسمی و روحی و خشنک در سلول داغ و بدین هوا و ضغن شهید شد و

بدین وسیله از مرگ تدریجی حکومت فشار نجات پیدا کرد . پلیس در طول این مدت و ماهه شکنجه از دادن نان هم به اندازه کافی خود داری می کرد . همچنین در این مدت نتوانستیم حتی یک نامه بهمانند از خود نماز بدین از آب و داغ شده از گرمای جنوب با شام و چای یک پلر به هنگام احتیاج بدین پابند از توان استفاده کنیم و در چنین شرایطی مجبور بودیم اکثر از سلول به جای نوات استفاده نمانیم . پابند ها آن هر در پیمان مانده بود که علاوه بر ایجاد رعب در سانی با در آخرین روز ها به علت رنگ زدگی به زور باز شد . بعد از مدت هر کدام از ما را به سلول جداگانه ای بردند . پلیس ۲۴ ساعت چنان به صف با هم سلول می گوید که انعکاس آن در درون سلول چون صب صبی صدای وحشت آوری تولید می کرد . آلودگی صلیط و جوش رویدل در آوردن ها موجب شده بود که خون ما چرکی شود . طولانی بودن دوران شکنجه های شدت نبودن اکسین به اندازه کافی ، گرمای طاقت فرسا و ضغن غیر قابل تحمل سلول و فشار بیش از حد دست بند ها و محروم بودن از حداقل خدای لازم و حتی آب و هور و فرد تا راه ناتوانی کلی و اراضی کوتا گون مبتلا کرد . بعد از تبعید شدن به زندان مشهد و معانیاتی که در بخش داخلی و جراحی بیمارستان مشهد توسط پزشک شخصی از من به عمل آمد ، ضرر به عمل جراحی ورود و انجام آزمایشات دقیق خلط سینه خون و اوراگراسی تشخیصی و معالجه ناراحتی دستگاه تنفسی و عروقی ابلاغ شد و در این مدت بیش از چندین هزار تومان خرج دار و نمودم و بعد از گذشت ۲۶ ماه هنوز از طرفی نظامات سلول نسبت به عمل جراحی و صد اوای ناراحتی دستگاه تنفسی و عروقی اهدا شده است بعد از انتقال من به نوریز و مراجعه به بهداری زندان در نورسج ۱۳۵۱/۱۰/۲۵ بزرگ زندانم به ما بنده ده باره را برای عمل جراحی و صد اوای ناراحتی های دیگر به بهداری شهریانی و غیره معرفی نمود ولی هنوز هم به ی افتنایی مستورین مواجه هستم . و این ی افتنایی به سر نوشت من و عدم صد اوای به موقع موجب بروز عوارض دیگری نیز شده است و این ی توجهی های تعدی و زندگی من و هزاران زندانی سیاسی ایران را در معرض خطر مرگ قرار داده است .

- اینک از تمام صیاح صلاحیت دار به ویژه از بیست محترم کمیته حقیق بشر در ایران و صلیب سرخ جهانی و جمله لیونند داد خواهی می نامیم تا با به کار بردن قدرت جهانی و ابتکارات خود ، دادگاهی جهت محاکمه شکنجگان به ویژه عاملین شکنجه ضرر به مرگ همین محرم بهرین شخصی دانسجوری دانگه - کنایه ریزی کرج تشکیل داده و احکامات لازم را به عمل آورند . تقاضای تعامیم با پیشبرد اهدای انسانی و تسخیل نمودن موازین بین المللی و به اجرا در آوردن حقیق شناخته شده بشر ، حسان هزاران نفر زندانی سیاسی و همچنین در بند را از مرگ حقیق نجات دهند .
- باتوجه به احترامات شایسته
بهرین خلقی شهید - زندانی سیاسی نوریز
گیرندگان :
- ۱- رفیق محترم کمیسیون حقیق بشر - سازمان ملل متحد - نیویورک - ایالات متحده آمریکا
 - ۲- کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران - کوچه دلچایا شماره ۶ پاریس - چهارم هم
 - ۳- دفتر محله لوسین - پاریس - فرانسه
 - ۴- خانم مرید خانلری - کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر و پیشبرد آن در ایران - خیابان فردوسی کوچه نند - شماره ۲۱

درسهای گرانیهای نبود اعتصابی کارگران گونی بافی

جنبش‌ها و مسائل کارگری

اعتصاب صدها کارگر آجرین

صد ها تن از کارگران آجرین در اطراف آن از روز شنبه ششم خرداد ماه اعتصاب یکپارچه و پرشوری را آغاز کرده‌اند. اعتصاب کنندگان خواستار افزایش دستمزدهای ناچیز خود که در مقایسه با کارشایرطت فرمای آنها ناچیز تر به نظر می‌رسد هستند. با این حرکت گسترده اعتراضی حدود ۱۰ کارگاه و کوره آجر پزی و مصالح ساختمانی در آن که تا این کشته بخش قابل توجهی از نیازهای ساختمانی آذربایجان است، به طور کامل طبع شدند و از کار باز ایستادند. بر اساس نخستین گزارش‌های از خبرنگاران نوبت اعتصاب کارگران انحصاری از هزار نفر بیشتر است. آنها می‌گویند در حال زحمت در مشاکی که سراسر روزهایشان را می‌پوشاند، بعضی آن‌ها هر روز نمی‌گویند که صوم ترین نیازهای زندگی خود و خانواده‌هایشان را بر آورده. زحمتکاران انحصاری می‌گویند که اگر بیش از ۱۰ ساعت در جنبش ترین روزهای تابستان در کارگاه کوره ها و کوره آجر پزی و در گرمای طاقت فرسای کارگاههای خود به کار جسمی سنگینی اشتغال دارند، نتایج آن دهنده‌های درنده‌کام برای روشنی و رفاهی تمدن بزرگ و پیشرفته به پشت بام کارگران کالی است. آن‌ها می‌گویند شکم های مسأ و خانواده‌هایشان را سیر کند. همین است تنها عامل اساسی ترین انگیزه اعتصاب است. یکی از کارگران فرستاده انحصاری که سراسر عمر خسته‌اش را پای کوره های آجر پزی به سر آورده است با تیرگی در دهان گفت:

«من در حال ۱۰ ساعت کار روزانه مرستی خواهم فقط کرایه خانه و هزینه خورد و خوراک و پوشاک خانواده ام را بپردازم. اگر نمی‌خواهد این کار را تمام بکند، مانع نمی‌شود. من تمهید می‌کنم سراسر روز را برای این آقایان کارکنم، آن‌ها هم به طوری خسته خورد و پوشاک ما را بدهند و یک سه پناه برای خانواده‌ام در اختیارم بگذارند. کارگران انحصاری هم اند تا بر آورده شدن خواست های حق و اصولی خود، مبارزه انحصاری یکپارچه و نشور انگیزی را که آغاز کرده‌اند، ادامه دهند.»

اعتصاب ده‌ها تن از

کارکنان برق تهران

بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارکنان برق تهران از صبح سه شنبه ۹ خرداد برای افزایش حقوق و حقوق های ناچیز خود دست به اعتصاب زدند. بخش‌ها کارکنان از صبح ۱۰/۱۰ صبح در این مرکز برق تهران واقع در خیابان واکه اجتماع کردند. چند لحظه بعد کار در شهرناهی اندر راه را که در باغ وسیعی قرار دارد به محاصره در آورد. کارکنان برق تهران خواستار ۴ درصد اضافه حقوق هستند. آن‌ها یادآوری کرده‌اند که حقوق شان در سه سال اخیر ثابت مانده و تغییراتی نداشته است و با توجه به افزایش سرسام آور هزینه‌های زندگی، اضافه حقوق در خواست‌هایی می‌تواند گوشه ای از افزایش بی‌رحمی به قیمت باران مردم سه سال گذشته بماند. اعتصابیون همچنین خواستار افزایش دستمزد اهل حلقه در پرداخته‌ام هستند که در حال حاضر ۱۰۰ تومان است. آن‌ها می‌خواهند که ۱۰ ساعت اضافه کار ماهانه آن‌ها کاهش داده شود و به ۸ ساعت برسد.

از برای روز اعتصاب به دستور سالک و به تحریر سکولان در کارخانه گونی بافی رشت را بستند. به کارگران پیشنهاد کردند که اگر طالب کار هستند، باید در کارخانه نام نویسی کنند و چند پسر اند که به درخواست و پیشنهادی نداشتند. تعدادی از فعالین کارگر به کلی کنار گذاشته شدند. جمعی دستگیر شدند و فشار برای به زانو در آوردن کارگران مبارزه با انگشت گذاشتن روی نقطه حساس آنها، یعنی قطع حقوق ناچیز آنها شروع شد.

در روزهای بعد این توطئه باید، تعدادی از کارگران راه غیر نیازهای آن روزانه خانواده خود و تخمک شکم های نیمه سیر فرزندانشان رنج می‌بردند به تنهایی به تحصیل کوفه می‌رفتند. و هر روز بر این تعداد افزوده می‌گردد. کارگران با جنبش حرکت از این پیکر کینه خور و گرسنه گرسنه توده بسیار برداشته بودند، وقتی دو نسای مطبوع را چندان روشن نیافتند، به دست آن زحمتکش خود توصیه کردند به سر کارشان برگردند. آن‌ها با تکیه بر نقاط حساس حرکت معنی غرضش توصیه کردند: بارش دفعه دیگر به مات کار را از هر جهت فراهم کنیم. این بار کسی عیولانه رفتار کردیم. لازم بود فلاحه رها را باهدی اعتصاب و مشکلات و مسائل احتمالی ناشی از آن آشنا می‌کردیم و در صورت امکان از دست‌ها پیش از آن صدق برای تأمین نیاز کارگرانی که کمبود دست‌ترواز نظر تأمین مسأله روزانه آنها می‌دیدند و در راه می‌دیدیم این کارگران رومی این‌گونه تکیه می‌ورزیدند که تفنگ و هیستری ما کالی نبود، شکنجه بود. این بزرگترین ضعف ما مهم ترین عامل هزات و فرمای زیرگسود و چهار لاک بود.

کارگران مبارز گونی بافی رشت از شکست موقتی خود در مبارزاتی های آینده را گرفتند و دریافته‌اند هر چاکه صدای حق خواهد آن‌ها بلند شود، با چاقی و ره‌محرکت و ره‌روی شوند. بنابراین هر تلاش‌های منفی و از نظر این مردم شد کارگری، با هر حرکت سیاسی است که حکومت را تهدید می‌کند.

هنگام عزیز

افزایش حتمی هزینه های زندگی را چگونه تحمل کنیم؟
با یک نگاه اجمالی به افزایش سطح هزینه های زندگی، سیر صعودی هزینه ها تا میزان ۴۰۰ درصد مشاهده می‌شود. به طور مثال:

نوع	سال ۵۷	سال ۵۸
کرایه یک اتاق	۲۰۰۰ ریال	۸۰۰۰ ریال
انرژی (صحت) (رجح)	۵۵	۱۲۰
کرایه اجناس	۱	۱۰۰
تیم (بسته شهرستان)	۱	۱۰
بهره	۱	۱۰
ادوات (تعمیر) (بهره چهل)	۱	۱۲
کتاب	۱۰۰۰	۳۰۰۰

در مدت ۲ سال، هدا لاکر افزایش حقوق مسا محال ۲۲ درصد بوده است. برای توجیه این افزایش هزینه‌های جاری و همچنین توان همسان بعضی های رفا کردیم از دستمال‌ها استفاده نمودیم. به این ترتیب ۲۲/۲۴/۵۷ در صحنه اداره مرکزی (ونگ) گرد هم آمیم و با توجه به جدول کرایه فوقی لزوم ترمیم حقوقی اندک مانده عنوان میکنم در مقابل در گذشته افزایش هزینه های زندگی، کمبود حداقل صد درصد حقوقی را چاره ای بیندیشیم.

صد ها کارگر گونی بافی رشت از اول خرداد به پشت بام اعتصاب پرشوری برای افزایش دستمزدها و به همسود غیر لایق کار خود آغاز کردند. کارخانه گونی بافی رشت یکی از واحد های تولیدی بسیار مهمی کشور است و در حدود ۱۰۰۰ کارگر در سه شیفت ۸ ساعته در آن به کار اشتغال دارند. کارگران با پیش کشیدن سه ساله کثرتی روز افزون و سرسام انگیز هزینه‌های زندگی و ضرورت های مختلف خود و خانواده‌هایشان تقاضای حق در زمینه ضرورت و لزوم سطح دستمزدها داشتند که با مخالفت و طرد مسکت لوجرانه سکولان کارخانه روبرو شد. وقتی همه درها به روی کارگران بسته و دستورات و پیشنهادات آن‌ها در جهت رفع اندکی از تمهیدها و تاملی‌ها و استفسار کننده ای که بر آن‌ها تحمل شده به جای نرسید، ناچار مبارزه انحصاری آغاز کردند. نخست کارگران شیفت اول کارخانه می‌باشند که محل کار خود را ترک کنند، دست از کار کشیدند وقتی نوبت شیفت های بعدی رسید، دیگر کارگران نیز به آنها پیوستند. آن‌ها در محوطه کارخانه اجتماع کردند و اعلام داشتند تنها در صورتی کارخانه را ترک خواهند کرد و کار معطل خواهد بود که به نیازهای و خواست های آن‌ها توجه شود. اما سکولان به جای پاسخ مثبت به درها می‌گفتند که نان می‌تواند تولید شود است هالی که گرسنه‌ها تروت و نعمت و خالی از دهی بی‌تربس حواله ریزه زندگی است، هرگز های مبارز گونی بافی رشت آن‌ها انداختند. با نیروی همای سالک بلافاصله در محل کارخانه حاضر شدند و در پیش‌رو حمله و در بلایه ای رافیه کارگران حق جو شروع کردند. در شرایط سیمانه با تسود و مشت و لگد و با تهدید سوزن و لوله های سنگ و تفنگ و مسلسل زحمتکاران معترض ناچار به ترک کارخانه شدند. اما برهه‌های خونخوار شاه باز هم دست از تزلزلت نکشیدند و کارگران زحمتکش و طغیان کرده و انقلابی آن فرهنگ و اصول با بنام پیشانی تصویب کردند و بسیاری از آن‌ها راه شدت و مرجع و غیره وساختند. به نیتسان نبود انحصاری کارگران مبارز طبیعی ترین و عادلانه ترین صورت های زندگی ساده و بی‌تصیب آن‌ها سرچشمه گرفته بود. با سوزن و باتوم و کینه گور رهم روبرو شد.

بیش از ۲۰۰۰ تن از کارکنان شرکت تولیدی و انتقال نیروی ایران (در اطلاعیه ای که در ادارات مختلف این شرکت در تهران پخش شده) قرار گرفته اند که روز ۲۲ خرداد برای افزایش حقوق و حقوق و درخواست افزایش حقوق دست از کار بکشند و در اداره مرکزی این شرکت باج در رفته اجتماع کنند.

اعلامیه افشاگر کارمندان شرکت توآبیر

کارکنان در اطلاعیه خود چه می‌آورده اند که در آن افزایش هزینه زندگی از سال ۵۷ تا سال جاری با زبان ارقام بیان شده است. کارکنان توآبیر افزایش هزینه‌های سرسام آور زندگی خواهان صد درصد اضافه حقوق می‌باشند. متن اطلاعیه کارکنان توآبیر به شرح زیر است:

حمله اوباشان رژیم به کوهنوردان جوان

ایمان جانی به دست و کتلهای شاه بلند بگر
گویی از جوانان که هنوز در محله ناهوشیارند
و شور و خروش از راه سستی ضروب و مصوب
ساختند. عده ای از دانشجویان مدرسه عالی بهیچ که روز
جمعه ۲۹ اردیبهشت ماه به ارتفاعات در گرفت بودند.
ناگهان خود را با گازهای وحشی و ارازل جانی در
و زنجیر به دست حکومتی رود رسانند. این هجوم
بر برهنگان ظاهر با این همه دلیل ضربه جویی صورت
گرفت ای از آفتاب پخته در سیمه رسوا و سازمان چابگیر
انضبت و ششبه آن سازمان به اصطلاح دفاعی نظامی
به چشمی خورد که هر اجتنابی راه هر شکل و هر تشکیلی
را در هر نقطه تهدید می بر او مردم لوزان و ترسان شاه
و در لوزستان غلطی می کنند برای مطالبه با آن شیوه
و اهزان و جفاکاران حرفه ای راه کفر می گویند. در
هجوم سگهای زنجیری شاه به کوهنوردان جوان در که
عده ای از آفتاب پخته در سیمه رسوا و سازمان چابگیر
و دست های حدود و از سبک شاهانه گرفته اند. نظیر
این توطئه در نزدیکی روستای ایچه نیز عده ای دیگر از

جوانان و دانشجویان ناپلیدند. ظاهراً شاه و جنایتکار
سازگاری او که از گسترش هر روش جنسیت مردم و انترناسی
و تشکیلی مخالفان روزافزون و بیگانه‌سازی گام گسیخته همه
هراسی افتاده اند. فرقی از لایه ها و از خسان
چابگیران و کمانده ها را در گوشه و کنار در کمر مردم
نشانده اند و حتی ساده ترین تفریح و ورزش جوانان را در
کشوری که هیچ امکان فرصت و تفریحی برای جوانان
و دیگر گروههای اجتماعی آن وجود ندارد، از آسان
برده اند.

قطعنامه

استادان و دانشجویان حقوق

این قطعنامه در حضور عده زیادی از استادان و
بعضی از چهلصد تن از دانشجویان به عنوان جمع بندی
جمع عمومی دانشجویان دانشگاه حقوق و علوم سیاسی در
روز سه شنبه ۲۹/۳/۵۷ تصویب شد.

قطعنامه

استادان و دانشجویان ادبیات

این قطعنامه در حضور عده زیادی از استادان و
بعضی از چهلصد تن از دانشجویان به عنوان جمع بندی
جمع عمومی دانشجویان دانشگاه حقوق و علوم سیاسی در
روز سه شنبه ۲۹/۳/۵۷ تصویب شد.

نامه های اعتراضی

استادان و دانشجویان ادبیات

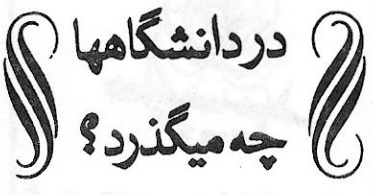
۲۲ تن از استادان این دانشگاه در نامه ای خطاب
به رئیس دانشگاه چنین نوشتند:

با احترام چنان که آگاهی دارید در نیم سال اول
تحصیلی ۲۵۳۶ - ۲۵۳۷ به علت شرایط و وسایع و
احوال خانگی کلاس ها به طور مرتب تشکیل نگردید و کثرت
استادانی توانستند به میزان لازم مواد درسی خود را تدریس
نمایند. از این رو چون محفل تدریس تالیفات حجم ناچیز
فهرست های تدریس شده امتحان به عمل آید و اکثریت بسی
قطعی از استادان در اوراق نمره - ای - سی - ام با تکرار
به بالا نوشته اند چون به حد کافی تدریس نشده. امتحانی
هم به عمل نیامد.

در نهایت تأسف مشاهده گردید که نظامات سطوح
آموزشی در برابر این نوشته صریح و روشن استادان به
جای آن که نسبت به حذف درسی جز به او اتمام کنند و در
نیم سال جاری از دانشجویان برای دروسهای بی نمره نام
نهیست نمایند، برای کثرت دانشجویان نمره - ده - ضمیمه
داشته اند.

آقای رئیس دانشگاه این اقدام که شتاز با ایجاد
بده نوع در گویی بی منطق حایان استادان و دانشجویان
ولجبابه که محفل تدریس در دانشگاه جری آشکار است،
جرم دست بردن در وقت نمرات امتحانی استادان و نمره
دادن از طرفی آنان.

با توجه مراتب بالا روشن بودن این امر که هیچ
موجه و معالی حق دادن هیچ نمره ای راه جای استادان
مربوط ندارد، خواهشمند است دستور فرمایند تا نسبت
به آنچه انجام شده است تجدید نظر کنند و به جای نمره
ده دروسهای بی نمره از نمرات ای - سی - ام حذف گردد و
دانشجویان اجازه داده شود تا دروسهای بی نمره را بعنوان
دروسهای حذف شده برد بگر بگویند.
دانشجویان این دانشگاه نیز در نامه ای به
دانشگاه گل کشور ضمن اعتراض به اقدامات ضربه زایی
مسئولان دانشگاه که "باعت تشکیلی و کسب حقیقی امور
تحصیلی و آموزشی و دانشجویان گفته است: علیه وضع
حرف قابل تحسینی که دانشجویان این دانشگاه خوانده اند
و تفنگ های دیگر در کار آن هستند... و بطوریکه
مسئولین این وضع اعلام جرم کردند.



قطعنامه دانشجویان دانشکده اقتصاد

در تاریخ شنبه ۶ خرداد ماه سال ۵۷ در مجمع
عمومی که با شرکت اکثریت دانشجویان با حضور اعضای
هیئت علمی دانشکده تشکیل گردید، ضمن بررسی
جریانات سال تحصیلی جاری در مراکز آموزشی کشور
به طور عام و مشکلات موجود در دانشکده اقتصاد به طور
خاص، موارد زیر راه عنوان نتایج جلسه اعلام نمودند:

۱- ما دانشجویان دانشکده اقتصاد و کشتار
و حیوانات دانشجویان دانشکده تریز را که طی آن ۱۲ نفر
از دانشجویان شهید پیش از یک صد نفر از آسان
مخروج شدند، تهدید می شود و محکوم کرده و حمایت خود را
از خواستهای برحق استادان و دانشجویان دانشکده
تبریز اعلام داشته و تاکید می کنیم که چنین حوادث
اشغالگری ناشی از وجود فضای افسان آرد پلیسی -
نظامی در دانشگاهها می باشد و خواهان اخراج کامل
و نیروهای امنیتی از محیط های آموزشی هستیم.

۲- ما دانشجویان دانشکده اقتصاد و احوال
در ادامه فعالیت دانشکده صنعتی تهران راه
بهانه ای محکوم کرده و ضمن افشاکاری این توطئه
فد طلی، خواهان رسیدگی به خواست های منطقی و
برحق استادان و دانشجویان و کارکنان این مرکز بزرگ
علمی - صنعتی هستیم.

۳- ما دانشجویان دانشکده اقتصاد و حمله
و محتمانه مزدوران به اصطلاح نیروی پایداری راه
الکب های که هنوز در دانشکده ها و مدارس عالی
که خبر به ضرب و جرح عده زیادی از آنان گردید.
است، برخورد محکوم کرده، برنامه خواستار قطع
این قبیل اقدامات بی روحانه هستیم.

۴- ما دانشجویان دانشکده اقتصاد و حمایت
فعال خود را از خواست های برحق درخشان دانشجو
ساکن در کوی دانشکده تهران اعلام داشته، خواستار
لغو محدودیت های از قبیل مقررات مصرفه حضور و ضوابط
رویزانه و همه رویه های سخت ورود و خروج آنها از خوابگاه
و... که بر آن ها تحمیل می شود، هستیم.

۵- ما دانشجویان دانشکده اقتصاد و اخراج بی
دلیل دانشجویان سال اول و تمدد ای دی دیگر از دانشجویان
این دانشکده و همچنین اخراج دانشجویان ساکن در دانشکده
های دانشکده تهران نیز دیگر دانشگاههای کشور و تعطیل
و خلاصه و سایر با گسترش سطح فرهنگ و دانش دانسته و
خواستار شرکت نام مجید و آنان سایر گردانیدن محیط سالم
آموزشی به مراکز آموزشی عالی هستیم خواهان جریان نتایج
سوز آفات فسد دانشجویی مقامات در ترم گذشته
(از قبیل احصای نمره (هم) و در نتیجه مشروط شدن
اکثر دانشجویان، قطع کلاس های نیمه تعطیل و...)
و همچنین دایر کردن کلاس های ترم تابستانی بدون
شرط برای کثرت دانشجویان سال اول تاج بچارم این
دانشکده هستیم.

این جلسه طی رض بستن درهای دانشکده و
صانعت نگرد از ورود عده ای از دانشجویان برگزار گردید.
در اینجا تاکید می کنیم، که تلاش مقامات در زمینه جلوگیری
از تشکیل چنین مجامعی که حق مسلم ماست و اقتصاد و
هیئت علمی در این باره پیش از این مستحکم خواهد ساخت.

۱- استادان و دانشجویان در این
قطع کله هزینه عنوان شدن سطح اخراج عده ای از
دانشجویان را نشانگاه یافته می محکوم کردند و صراحتاً
خواستار ثبت نام کلیه دانشجویان محروم و اخراجی (که به
طرح عدم شرکت در امتحانات غیر قانونی ترم پیش رو عرض
اخراج قرار گرفته اند) و همچنین لغو نمره (هم) میباشند.

۲- استادان و دانشجویان صراحتاً خواستار
ترم تابستانی به کلیه دانشجویان هستند.

۳- استادان و دانشجویان گرفتن چند واحد
صنعتی (کتابخانه های دانشجویی، کتابخانه های کوهنوردی، کتابخانه
و تعدادی دانشجویی) را به عنوان بهرین حاصل از تالیفات
شان گرامی داشته خواهان ارائه فعالیت سایر واحدهای
صنعتی از جمله نشر مجله دانشجویی تندرو و انجمن فیلم و
انجمن بزرگ و وحشی و فرهنگی و نیز احترام به واحد های
صنعتی موجود هستند.

۴- دانشجویان خواستار بر نداشتن آگهی های
صنعتی دانشجویی هستند، آگهی های کد برای اشای
دانشجویان می باشند.

۵- این مجمع عده ای با کلیه مراجع علمی و فرهنگی
انحلال در دانشگاه صنعتی آریا میبر داشته می محکوم کرده
این اقدام راه مزخرفه خطری برای آموزش عالی کشور
فداری کند.

۶- این مجمع حمله های و حیوانات به دانشجویان
در کوهستان را تهدید می محکوم کرده و تکرار این واقع را
به ضایع نفی ساده ترین حقوق انسانی و لگد مال شدن
کلیه حقوقی دینی و انسانی کشور طلبی می نمایند.
۷- این مجمع کشتار بی رحمانه دانشجویان را در
دانشگاه تبریز به شدت محکوم کرده و به خانواده های بی گناه
شهیدان و ضامن اشای صنعتی در دانشگاهها و دانشجویان
کشور تطبیق کننده عنوان می کنیم کما این حادثه اسف انگیز بار
دیگر ثابت گردید که کثرت و دانشگاه به عنوان اصلی تشنج و ضایع
با آموزش و کشتار بی رحمی و ضرب و جرح استادان و
دانشجویان بی پایستی از محیط فسد در دانشگاه بیرون برود
در پایان دانشجویان تاکید می کنند کما این مجامع
عمومی می بایستی با آزادی بیشتر و هر چند وقت یک بار
بسیار شرکت استادان و دانشجویان تشکیل گردد و چرا که این
مجامع همگنی تمام استادان و دانشجویان را در خواست
های اصولی صنعتی نشان می دهد.

ضمائم اجرای این قطعنامه اتحاد و همبستگی کلیه
دانشجویان است.
استادان و دانشجویان دانشکده حقوق و علوم
سیاسی دانشگاه تهران



برای آگاهی هواداران حزب

با یکبار دیگر بروشنی هواداران حزب را در همه جا آگاه سازیم و بکنیم بر اساس دستورهای سازمانی که کمیته انقلابی توده ای بوجود آورده و با مرکز حزب تماس برقرار سازیم. برای برقراری این تماس با هنگامیکه وسیله کار را اطمینان بخشی بوجود نمانده تنها بنام مستطیر بدین راه میگزینیم غیر و ملاحتی که سالها بنزد آن راه نظر داشته اند به نشانی حزب توده ایران نامه بنویسید و خبرهای جالب محیط زندگی خود و محیط اجتماعی ایران را که در روزنامه ها منتشر می شود برای ما بفرستید.

این گونه نامه های خود را می توانید مستقیماً از ایران بفرستید ولی بهتر است آنرا به نشانی آشنائی در خارج ایران بفرستید و از او بخواهید که آن را به نشانی حزب ما بفرستد. اندازد. در موردی حتی می توانید از نشانی کسانی استفاده کنید که آشنائی به بی نیته و خطرات هم نمی شناسند. این بکنی دارد به امکانات و ابتکارات خود شما.

برقراری پیوند کامل سازمانی تنها از راه ارتباط مستقیم فردی که صد درصد مورد اطمینان شما باشد با سازمان مرکزی حزب در دسترس است. برای گرفتن این ارتباط باید دست خود را به اروپا بیاورید و از یک طرف میوهی و یا از پستخانه (نه از پستخانه) و یا خانه مسکونی) بدین نام و نشانی خود به شماره نشانی ۷۹۰۰۲۱۴ ۵۷۹۳۳۳۱۱ در پاریس بفرستید که آقای بایر Bayer بفرستد. آن دوستان شرطی طلبی را که با آن میخوانید با مرکز حزب تماس بگردید به شما خواهیم داد. نه در تلفن اول و نه در تلفن دوم نام واقعی و نشانی خود را ننگید خود را به نام مستطیر معرفی کنید و بپرسید که به شما خواهد شد در قیام توده کنید.

راه دیگر برقراری پیوند بوسیله یکی از دوستان مورد اعتماد است که در خارج زندگی با تحصیل میکند و برای دیدن او به ایران می آید و وسیله برقراری پیوند سازمانی بین شما و سازمان مرکزی حزب را فراهم می آورد.

برای ارسال خبرها و نامه های خود به کمیته دفتر حزب توده ایران در داخل کشور نیز می توانید از نشانی مرکز حزب استفاده کنید. ما در راه خلق حرکت می کنیم. هدف ما یکی است. راه ما درست است. ما سرانجام پیروز خواهیم شد.

خطر مرگ جان رفیق رحیم شیخ زاده را تهدید می کند

باهمبستگی فعال و وسیع دست جلا در را کوتاه کنیم!

«گروه» ششمن از «سازمان چریک های فدائیان خلق» طی اطلاعیه ای اطلاع داده است که یکی از اعضای آن گروه بنام رفیق «رحیم شیخ زاده» اخیراً توسط ساواک دستگیر شد و هم اکنون تحت شکنجه در تریبون شکنجه های وحشیانه قرار دارد. ما ضمن انتشار همین اطلاعیه از مردم ایران و از همه مبارزان راه آزادی می خواهیم که بهیچ وسیله که می توانند در افشای هر چه وسعت این توطئه جنایتکارانه ساواک بکنند تا دست جلا در را از میان این مهین پرست انقلابی کوتاه کنند.

«توطئه پلید ساواک»

حدوداً ۱۱ صبح روز شنبه ۱۳۰۲/۱۶/۱۶ «رسم فتح زاده» از اعضای گروه ما در خیابانهای تهران توسط یکی از اکیه های گفشی ساواک مورد شناسایی قرار گرفته و دستگیر شد. به دنبال این دستگیری مسائل جنایتکار ساواک، برای اینکه دست خود را در شکنجه هر چه وحشیانه تر این رفیق - بی آنکه بی از شهادت او و زیر شکنجه داشته باشند - بازگذاشته و مباح نبودند که کتبا رفیق گفشی زاده «در یک برویجه خیابانی پستگاه» رسیده است.

ما ضمن افشای این توطئه پلید ساواک از تلم نیروهای آزاد بخشاه و از همه سازمانها و انجمنهای هوادار خلق بفرز و کتبه های دفاع از حقوق زندانیان سیاسی در ایران و سایر جهان بخواهیم که در افشای این توطئه زبانه ساواک با ما همدا گردند.

البته این اولین پارسیه است که این جنایت پستگان خلقخوار دست به چنین توطئه های مینند و آخرین پارسیه نخواهد بود. گویا که همه نیروهای تریبونخواه و انقلابی وطنان به روز تخته نظرها، گروهی و کتشی بخلوف خود را در یک جبهه واحد، هر چه نشود، تریه مستمک تر نموده و در هم نمانند. همه چنان شاه خاکن را سرزنش ساخته و به سزای عفت رساند. امرضی ساواک، خانه دهند.

در افشای این توطئه ها می توانستید توطئه های ساواک بکنیم. کمیته ششمن از سازمان چریک های فدائیان خلق ۱۳۰۲/۱۶/۱۶

تهاجم خونین به خانه های مردم ادامه دارد

در محبت ما و جوانان زاهد لری و ساواک دوباره به تخطئه و تخریب پرداختند و ضمن خراب کردن خانه های مردم چند تن از زحمتکشان مظلوم و محترماً دستگیر نمودند. این حادثه در صبح روز دوشنبه ۸ خرداد در محله «صنایع» واقع در خیابان فرح نو اتفاق افتاد که در ضمن آن کودکی توسط سواهیان تخریب روم مرده و هدف خلقی شاه به شدت مجروح شد.

تداوم این حوادث که هر روز به بی خاشائی جمیع کشورانی نصیب می شود زحمتکشان صحن ما می ایجاد آشکارا ماهیت روم ضد خلقی شاه را که ثروت های سرشار طبیعی و انسانی کشور را می سوزاند و می نابود می کند و هر صدای اعتراضی را با وحشیانه ترین شیوه های سرکوب و کشتار می زند و شکنجه و اعدام پاسخ می گوید و همچون کابوسی شوم بر کشور ما سایه گشوده نشان می دهد. با اتحاد و یکجانبگی خود روم این کابوس طولانی پایان دهدیم.

طی رزم وده و وید های توفانی روم در صورت آزادی می خانه سازی در خارج از محدوده تهران «تهاجم گرازیهای وحشی روم به خانه ها و گشاده مردم زحمتکش این مناطق و تخریب سر پناه آنان که با هزاران خون دل و بریدن از نان و آب روزانه موفق به بر پا کردن آن ها شده اند» ادامه دارد.

گزارش خیر نگر ما نشان می دهد که ساواک در تخریب و غارت شهر لری در روز دوشنبه اول خرداد ادامه داد و بولد زور و یک ماشین شخصی و چند موشو سیکلت، بسرای تخریب خانه های واقع در زمین های اولاد در شیراز نوبه این منطقه هجوم بردند. اما با مقاومت دلیرانه و جمعی زحمتکشان ساکن منطقه مواجه گردیدند. مردم این شهر و جوان و زن و مرد با جوی و جفا و سنگر آجریه مقابله بسیار انگیزان روم برداشتند و آن ها را راداره عقب نشینی کردند. امروز بعد صبحان با گرد آوری سپاه بساواک

انتخابات کانون نویسندگان ایران

عده ای بزم جلازه به خاطر آزادی و فرهنگ و گشودن فضای اختیاتی کشور را تکیه کردند. در این انتخابات چه هر سر شناس ادب و فرهنگ ایران کدر ضمن از رجل خوش شام سیاسی کشورند، به ترتیب رای به شرح زیر انتخاب شدند:

- ۱- به آرتین (محمود اعتمادزاده) ۲- باقر بهرام ۳- فریدون آدمیت ۴- فریدون تنگنسی ۵- ضوچهر هزارخانی. نتیجه: با تمییزت به هیات مدیره جدید کانون نویسندگان ایران، بروی آن ها را در جبهه به خاطر اندیشه و آزادی و صمیمانه آرزو شد است.

طی رزم گرشکی ها تهدید به توطئه های پلیسی کانون نویسندگان ایران سرانجام در جلسه پرشور و هیجانی در آن ۱۰ تن از نویسندگان، مترجمان، شاعران، محققان و شخصیت ها و نمایندگان بارز فرهنگی شرکت داشتند و هیات مدیره جدید خود را انتخاب کرد. کوشش های فزاینده کانون نویسندگان برای انتخابات هیات مدیره به خاطر فعالیت مستقیم پلیس و تهدید گستاخانه ساواک و امنیتی و معاصر عمل انتخابات توسط کارگردانهای شهیدانی علی نشد. اما این سیاستزدانان نقشه فرهنگی بر اثر تداوم مبارزه اعضای کانون عظیم ماند و هنروران، نویسندگان و نمایندگان فرهنگ امروز ایران، با انتخاب چهیره های جلاز و آزاد بخواه بعنوان مدیران کانون

با ما به آرمیوس هر گاه که...
Sweden
10028 Stockholm 49
P.O.Box 49034
حساب بانکی ما
Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
№: 0 400 126 50
Dr. Sakman

پیام برای گروه تقدیر
رفقای گرامی و خواهش می کنیم هر چه زود تر با مرکز حزب تماس بکنید. با درود های گرم

رفیق گرامی انوشه با شماره ۲۱/۵۰ تماس بکنید. با درود های گرم

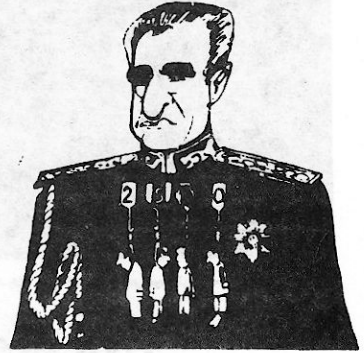
متحد شویم و رژیم ضد ملی و استبدادی شاه را سرنگون کنیم!

نویسد

سال سوم، شماره ۳۱، چهارشنبه ۱۷ مرداد ۱۳۵۷

(وابسته به حزب توده ایران)

(فوق العاده)



جلاد ننگت باد!

جنایت تکان دهنده مزدوران شاه در کوی دانشگاه

و حتی با همه احساس صمیمیت خود برای آن ها که می‌توانستند. این باسع خلق به در خدمت بود. اما صبا دانشجو ی در ختر ویر میهنان پس سر منزل نماند. بسیاری از ایرانیان شب را در کوچه و خیابان و انظار باره فرح به صبح رساندند.

حادثه صبح کوی دانشگاه تنها جلوه ای از سرشت ضد ملی و ضد بشری رژیم مفسور و پوزان شاه و شرکا را منعکس نمی‌کند. در حالی که تمامی دانشگاه‌های کشور به دست دیکتاتور متعطل شده است و در حالی که حقوق استادان در دانشگاه صنعتی و دیگر استادان روزانه آزاد شده و در برابر خود کاشکی های زمین از حد جباران و حاکمان توطئه ها ی مسلط جهان بیچارگان فطم کرده اند. قطع شده و در حال حاضر همه دانشگاه ها از دانشگاه ها اخراج شده اند و با انحلال نیکسال اگسیبر دانشگاه ها مثلا در صبا هزار دانشجو از تحصیل محروم گردیده اند. چنین بر عروش دانشجو بی که حضور باشکوه رهبر استادان میهن پرست به آن خلا و تخیل همان انگوری داده است و هرگز این تاریخ را می‌گرد و گاهی به چنین صحنی خلق نزد یکه فر می‌شود. نمونه ای از نزدیکی و بیوفای و اجتناب ناپذیرانه جوان مکتوب از از احکوم های بی شمار عرصه مبارزه خلق. در حاشیه مردم از استادان با سبب دانشگاه صنعتی می‌تیمیم. همین که ایامی رژیم برای به زانها در آوردند و استادان صرف حقوق آن ها را قطع کردند. مدافعان و صدق و بیوفای برای تانین نهایه ای بیرون استادان ایجاد کردند و بسیاری از بازاربان و دیگر آزاد بیخاها برای مصادره دادن به این صندلق انعام آفادگی کردند. دوستی که چون عده از دانشگاه به خیابان آمد. در بازار مفرده شد. خلق زیر صبه های استادان در بانه و حین برآمده همه هم جوش می‌خورد. سخن فرزند ان روشنفکر خلق در دانشگاه‌ها به خاک می‌ریزد. اما با هر طرفه سخن، حمله های مبارزه بیشتر زبانه می‌گردد.

کارگردانان حبه شب بازی و سایر و دشمنان درباری و آشوبگران و مهربان آن‌ها در سازمان صبا و انجمن سرو سیسی می‌گردد تا با برابری، توطئه چینی، صحنه سازی های متوج و رسوا و شکنجه صحنه ها، در را و در مردم کوبیدن آزادی با کاشکیا، حمله به موسسات صوبی و مامراجو بی های رنگارنگ، مظاهرات و مبارزه با تر خور جیبینی را ندهد که دار سازند. از سر درست معرفی صحنه به براه بگردد. پایه خود توطئه های کور و خصمانه صحنه چینی هدف به مکتب جوان فرخاشو آراشیده جلوه دهند. اما این صحنه ها هرگز بیشتر اقتدار و رسوا می‌شود. این حسی از زلاله و ظهور هم رنگ می‌شود. دانشجو بان و دیگر میهن پرستان و ستیزگان اود ضمن می‌آویزند که بیگانه حاصل بخش خلقی چیست و مدای و نشی مبارزه کیاست. امید و سراسر که به بار در گردان حین های گرامی خوابگاه دانشجو بان در صحنه ای که گذشته، شکوفه های خویش به بار آورد.

آین خود کوب و مسروح گردید. دانشجو بان را که بی خبر از همه صبا در اطاق های خود سرگرم درس خواندن بودند. بعد حمله دستخسده جنسی فرار دادند و آن در زویرا کجید تدوید نشانرا به در دو دیوار زدند که گفازمین و بیجبه دیوارها فرود در خین شد.

در اینبار وحشیانه گوی دانشگاه بهی از ۳۰۰ کاندیدی مسلح به باجیم الکتریکی مسلسل شنگ و چاقی شرکت داشتند. آن ها بسرای مروجت کردن جوانان به دانشجو صدها تیر گلوله شلیک کردند و محسب خوابگاهها را با گاز اشک آورنده آریو شدند. بی از جبرگاران خود که از نزد یکه شاهد این صحنه های وحشتناک و انتقام شریوانه رژیم شاه - ساوا ایگزوشنکدان و فرزند ان نسیه خلق بود. از این ساعات ننگین و رسوا و تصاویر تکان دهنده ای ترسیم کرده است. او در گزارش خود می‌نویسد:

گفاد و گف شام می‌دادند. دهره می‌کشدند و حمله می‌کردند. هر چند نر یکی از ختران باسراون را محاصره می‌کردند و با کتیبا ی حیوانی بر سر او می‌ریختند. به قصد کشتن زدند. آنگاه جالی می‌کردند و صد اها می شبیه زوزه و فریاد صحر می‌دادند.

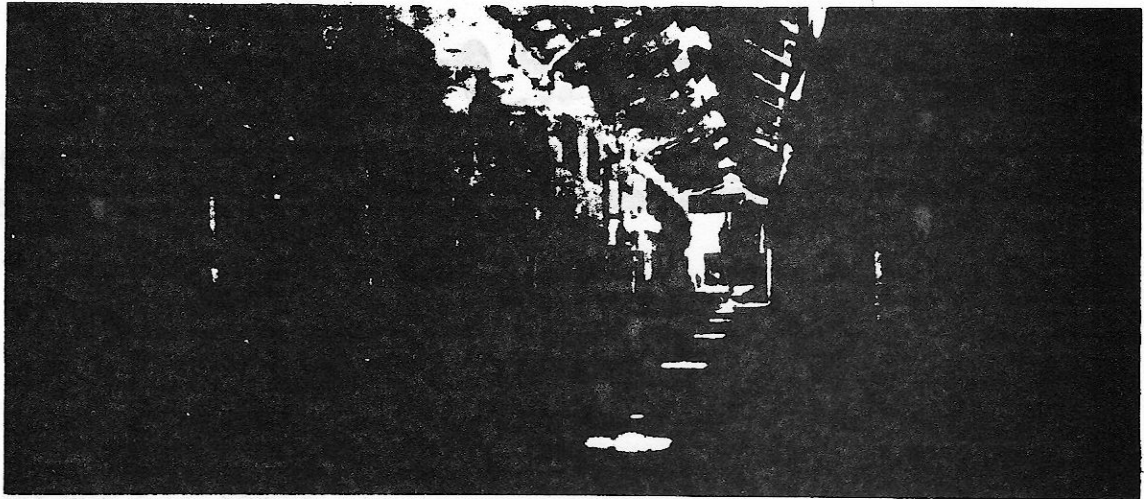
پسران دانشجو در ختران را در پشت صندل خود پناه داده بودند. اما با دست خالی در برابر این همه فساد و این جنون صبی بسیار کوفه چه می‌توان کرد؟ وقتی صحن کوی بی میدان خویش به جنگ مغلوب بدل شد و کانه وها وارد اطاق دانشجو بان شدند. در مارا با جسد شکستند. دهره ها را خرد کردند. لایح ها را به زور کشتند. در بی با انداخته. اطاق و لوازم اطاق ها را در افان کردند. با باجیم فشیه پنجره ها را شکستند و سرانجام هر چه کتاب و مجزه و بکو و ضبط خود را در یو ویلیا یافتند به وسط سوطه کوی منتقل کردند و آن ها را به آتش کجیدند. شعل و لطفند و حیوانی بعضی از این دشمنان و فغانان جیل و دیکتاتوری در ایسن چنین کتاب سوزان بهشت بیننده زبانه لیزه در می‌آورد. کتاب ها زیانه می‌کشدند و گنجانان و مزدوران رژیم شاه فشیه می‌کشدند. آن ها از اندیش و فرهنگ نظام می‌گرفتند. مگر نه این که دانشگاه همیشه یکی از سنگرها و استوار آزادی و سرزند دانشجو بوده است.

ضرب و شتم دانشجو بان و تاخت و تاز در محیط خرد فرهنگ صبا این شیوه خشن و دشمنانه بیگانه آسیر سه چهار ساعت اده یافت. اکثر دانشجو بانگی که سبوق شدند از این بیگانه جان سالم به در بردند. در آستانه استعانتا خود در کوچه و خیابان ها سرگردان می‌شدند. دانشجو بان کوی از شهرهای دور و نزدیک به تهران آمده اند. بنا بر این باور ان شدن خوابگاههای آن ها. حاسی برای زندگی ندارند. عدد آن از آزارگان کوی به خانه و دستان و آشنایان و ماسبل خیرتر شد. اما بسیاری از خانه ها و میهمان ها و که چه های اطراف این میدان خسته اهرین و فرهنگ درهای خورده ای روی صدها دانشجو بی که مجلس برای بختو تکیه تانند داشته کتسو ند. خانواده ها با آغوش بساز فرزند ان مسروح و جباران واپس برنشد. از آن ها سراسر تری کردند.

با هجوم خویش و بی‌رحمانه گزافهای شاه به خوابگاه معز ان و پسران دانشجو، مبدی ای جدیدی به آزارشده ان دانشگاه صبی ایران افزوده شد و داغ ننگ ابدی بیگانهی صباه رژیم رو میسان و در زمینان راسیاه تر کرد. حوادثی که روز پنجم ۱۱ مرداد ماه در کوی دانشگاه - خیابان امیرآباد شمالی رخ داد. تنها با خاطره چرکن و بلند ترکانی جنگجو و تجور و شاکرها های جناسی آجلا و جیتر فاسل ظاهره است. در این لشکرکشی نرم آژ طبع دانشجو بان بی سلاح که تنها گاه آن ها آزادی خواهی و سپین برشتی است. مد اقل یاه در ختر و دهره دانشجو شیده شد. صد ها نفر به شدت مسروح و محروم و محبوب گردیدند. و گروه بزرگی از دانشجو بان بازداشت شدند. حادثه با مظاهرات شب سه شنبه نیم مرداد ماه وارد مرحله بحرانی خود شد. در این مظاهرات در حدود دوهزار ختر و پسر دانشجو که از زندگی و احساسات و برقی مد اوم سرنیزه در محیط زندگی خوابگاه خود به سوه آمده بودند. خواستار پایان دادن به شرایط پلیسی و تعسفی تحمیل امیز اطاق ها و نظارت ضد بر رفت و آمد ها و تشت و برخواست های خود شدند. آن ها تیربار زدند. سابه شوم در یکاتوری را از محیط دانشجو زندگی خود می‌دور کردند. مظاهرات اعتراض دانشجو بان با اخراج گارد ها از کسوی دانشگاه پایان گرفت. به نظر می‌رسد که جوان مفرطه و دانشجو پوزمان جوان کارگزار خود خورده ای استخوانه اند دانشگاه می از سر زنده اند. اما واقعیت عز این بود. دیکتاتور این همه اسلحه را برای زینت دادن به خیابان های شهر. در ازای تاج دادن ثروت های ملی تهیه نکرده است. اوتها با کینه و گلوله و سرنیزه و خون و سرگوشکجی می‌تواند زنده بماند. بدون این بدان های درنده و ظلم پرستمنه از او جز خاکستر باقی نمی‌ماند.

چگونه پوزمان و دهره بندان شاه با استفاده از مفرطی که بر خود دانشجو بان با گارد های کوی دانشگاه و مظاهرات پر دامنه و وحشی آن ها به بد آورده بود. طرح یکه دسیسه زبانه را ریختند. آن ها تصمیم به تعطل کوی و تاراندن آن اجتماع دانشجو بان جبار و زهر چشم گرفتن از آنان گرفتند. به این ترتیب دانشجو بانگی که خیل فراوانی برای حل و فصل مسالطی که پیش آمده بود. به در ارسر بر سه کسوی رفته به صای او با کانه و صای سلط و آمده حمله بهیرو شدند. کانه وها باجیو با خود و دست و لنگ به جان دانشجو بان افتادند. گیسوان در ختران دانشجو رابه در دست های خود بچیدند و آنجا را کشان کشان بروی زمین مسوطه کسوی گردانند. دهره دانشجو بان بسرا آن در به دیوارها کوه تانند که در میان از آنان میجو فر شدند. در ختران را با ولایت کسب خانه ای در خوابگاه وحشی و جان حاصه در ری و ند آن ها را زیر صبهات باجیم و شت و لنگ و حتی دندان های زهر

پیروز باد مبارزه قهرمانانه مردم ایران علیه استبداد فاشیستی محمد رضاشاه



شهر کابل در روز ۱۵ خرداد ماه جاری از بازار تهران گرفته شده است. همچنین در این روز جار و جنجال گرفته شد و تیغها به دولتی حتی یک مفارقه منجر به بازگشت.

۱۵ خرداد، روز اعتراض خاموش

مسئله شاه انداخته و با نشت و پارچه های آتشه به بنزین آتش زدند و آنگاه در حالی که دود و آتش ارض صحابه دوران زیاده میگردید شعارهای ضد دیکتاتوری دادند.

اما حقیقت اینست که مسلسل ها و تفنگ ها و تانک ها و سربازان ارتش ایران رژیم و سواران سواره در اتاق های امنی که سینه پشت چینه رژیم به حساب می آید، با همه مر و دیوانه و وحشیه بازی های خود نمیکنند مردم را از این بوشن به اعتراض جوش و گشوده میسند دیکتاتوری باز دارند. جالب ترین نوع اعتراض ۱۵ خرداد را در دانشجو یان دانشگاه پهلوی بنام ریزش خانه به ریزش اعتراض در خوابگاه باغ ارم نشان دادند. آن ها لاستیک کینه یکه اتومبیل راه گسردن

تعمیر کامل بازار تهران بسیاری از مفارقه ها و مساجد با بعضی موقوفات تصاحب گردید. اعتراضی در دیکتاتورهای باستان مفارقه های بازارها و تعطیل کسب و کار آشکار شد. به خانه فرش حقیقه مبارزه جو با نشت مردم طبع رژیم ضد ملی و ضد دیکتاتور شاه و شرکا و آلبانیان امیرانیت آن ها بود. طی رژیم تبه بد ها و دسیسه چینی ها و های و هوی و صدها جو بی های رژیم که با جنگ بودند آن نشان دادند و به سرزده زندان و طبعیت های حاکمان تبه بد گردن، دشمنان بود، ریزش ۱۵ خرداد استقامت از شیرها از جمله تم، گاشان، اشقیان، نسیف، آید، تبریز، آبادان، شیراز، یزد، مشهد و شیرهای دیگر حالت است اعتصابی با نشت اعتصاب داشتند. بازارها در بیشتر شهرها تعطیل کردند. کینه و مردم کار ریزش انباری چند ساعت ها کردند. تا مردم خود را به مبارزه با رژیم دشمنان و دیکتاتور و حاکم حریفی را از مبارزان راه آزاد نگذاشته اند. اگر چه بنام ریزش اعتراضی و تصاحب به خاطر کو خانی در اندیشه لیسان مردم و تم کار کردن سازمان ها و عناصر سیاسی و غیره که نشت به اعتصاب در میان انتشار کینه سیاسی معاضبت و برادری کاری آن ها اعتراضی به مراتب کمتر از آن داشتند می توانستند داشته باشند. اما این حال موج اعتراضی که شیرها را در خوردن نشانده و رنگینی ریزش از این جلا در تاجدار ایران و گسترش و وقوع تیرد ضد اعتقاد می بود. بنامه گزارش خبرنگاران "تیرد" در باره از افسر ها تا نظرم و گاشان و شیر کلا تعطیل بود چنانچه آن که کینه تبه بد شده بود که در جواز آن حاضر خواهد شد. به چنین گسترده اعتراضی پیوستند. در کینه شیرها در این ریزش ها که نشتی بر قرار بود. گاشان های پلیس و ارتش و گارد های به اصطلاح ضد فوژ که سطح شبان ها میباشند، سرباز و نظام مختلف شیرها را اشغال کرده بودند. حضور هزاران مأمور امنیتی و نظامی و شبه نظامی در کچه ها و میله های نشانده و مضمین رژیم از مردم و مستحقان و هاست و تزلزل ریزی آن بود. در دید واقعیت حرکت گسترده اعتراضی ۱۵ خرداد را تشبیه به شایعه می توانستیم خواند و اعلام کرد که به این شایعه برواکی نباید توجه کرد. اما نکته آن که همین شایعه به قسور نیست زیرا بی اساس چنان ارکان حکومت را میزد که چنان رژیم گزارها و دیکتاتورگان و مضمین یان حراج تیرد های مضمین بر سر آمد که نشتی شیرها و مملکتان به نشتی و غیر نظامی و کینه و راجه تبلیغاتی خود را برای مملکت با آن به طرز آسار کینه و مضمین به بار آورده بودند. حتی به قول نسیف رژیم سوئی شاه یکه "شایعه" چنین نسر زه و ترس بر ارکان رژیم بند آمد. در همه یوزی، کینه بدی و وحش و سی با نشت رژیم را می توان در یافت.

کوه ها در قرق چماق داران رژیم

شما که اطلاع ای میراه ندارید. به ما گفته بودند که شما در کوه حیات سیاسی به راه می اندازید. کتاب های سیاسی منومه می خوانید و اطلاع بعضی می کنید. پس کتاب ها بجان کماست؟ جوانان دست به کتف گفته که نظر برای ریزش و طرح به کوه آمده اند. اما سرگوشان لباس های آن ها را از نشان خارج کردند و بگانه شان به زیر تازانه گرفتند. در ۱۴ ساعتی که جوانان در اسارت میباشند حکومتی بودند. هر یک سه بار زیر تازانه و چماق قرار گرفتند. و سر انجام چماق تحمل تحقیر های بسیار و تشدید در نشاندن های رکبه چارواگری بسا سروری خیزش به مسلک مضمین مخصوصی پلیس به شهر منتقل شد و در نیمه راه آزاد کردید. همه که نشت نشت وقت اکیب های دانشجو بی گروه های کینه و بزرگ که هنوز در ارم از بیوجوان به ارتقا ت اطراف تهران رفتند. کوه ها را در محاصره ریزش چماق ها دست یافتند. آن ها کار ما را میصوم هفت های گشته گزارهای چکش به که هنوز در آن نطلق بودند. در ترحیم دادند از نیشه راه به خانه ها بیاور برگردند. ارتش رژیم ضد ملی، ضد دیکتاتور، حامد و مضمین فروش شاه به خلق های ما به جوانان ما به که هنوز در آن ماهی همه فخرها و گروه های غیر وابسته، مضمین پرست و آزاد، تشبیه چماق و شکم چکونه است. چنین رژیم ارتش و ریشه ناست و کینه بی ای که اندام میانی باعث سرکوبی ها و رجم ها و خسارات بیشتر ملی مردمی است. حتی حیات ندارد.

حک به که هنوز در آن جوان و اکیب های دانشجو بی در کوه های اطراف تهران لیسان میباشند و حیرت آوری یافته است. رژیم شاه. سلطه یا فرسایش کرد های مسلح و چماق به سلطان حکومتی با لباس های بدلی به کوهها و گاشان این لا شعور ها در کسین جوانان. تشبیه طرح سالم جوانان و دانشجو یان را نیز از آن ها بود است. در شماره گذشته "خوب" خبر دادیم که صد های از دانشجو یان در سه حالی بیجه و پخته اکیب دیگر از جوانان که هنوز در ارتفاعات بلند چال، در کینه وضعی مورد حمله دانشجویان تبه و ترحیم آئین کاند چماق چماق در زنجیره به دست شاه که در این حال سلاح های جنگی مسلح بودند. در ارتقا تبه و به نشت در صرح و صدم و نشتند. شیرها رسیده جا کما است که در سه چهار هفت گشته اکیب های گسترده، مسلح به انواع سلاح های گرم و سرد در کوه ها به لشکر جوانان میبردند. آن ها بگانه اکیب از جوانان دانشجو را بجای از ۱۴ ساعت که در به اسارت گرفتند و آن ها را مورد شد بدترین و بی ضررانه ترین تحقیر ها و تحقیر ها و زجر شکنجه قرار دادند. آن ها دانشجو یان در سه حالی بیجه و پخته به مسلسل تا چارگردند روی زمین دراز می کنند و آنگاه دست با نشان را از اینست بستند چماق و زنجیر به جانمان استاد دست با نشان را از اینست و صرح و صدم. در ارتفاعات بلند چال زنجیره کردن که هنوز در آن جوان انداخته آن ها را روی صخره ها کتف بد و با مضمین و چماق بستند به جان آن ها استادند. بر ما نده اینها نشان چماق در که مسلح به مسلسل بود و در آن ای سرگوشان خطاب می کردند. سپس از عیش آتاق که هنوز در صوب بگانه و دشمن میسران که هنوز در آن ها کتف.

متحد شویم و رژیم ضد ملی و استبدادی شاه را سرنگون کنیم!

به مناسبت چهارمین سالروز شهادت رفیق پرویز حکمت جو

از میدان های رزم نامر زهای شهادت



سالن دیگر از میدان شهباز حکت جو عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و انقلابی ستیزی که سراسر زندگی اش را وقف مبارزه با رژیم پهلوی کرد...

زنده ایان با تامل به روز و شب و شش ماهی می خواندند که در این روزها مبارزه با رژیم پهلوی در تمام نقاط ایران در جریان است...

زندگی پرویز حکمت جو در سال ۱۹۲۱ مصادف شد با آغاز حواصی به مبارزه با رژیم پهلوی و در دوران تحصیل در دبیرستان نظام و بعد ها در دانشگاه امرو علیانی به فعالیت انقلابی فیر...

مبارزه های او در این روزها مبارزه با رژیم پهلوی است و او در این مبارزه ها نقش مهمی ایفا کرده است...

در زمانه ای که در این حکت جو از زندان برای مرکز حکت جو فرستاده می شود و در آنجا در جریان مبارزه با رژیم پهلوی فعالیت می کند...

پوشانده بود پرویز را. با اینکه سفاکانه گریه و زاری را که در آن...

حکت جو بر آن بود که: حکت جو انقلابی است که از طریق تاریخ پیروز می آید...

بازگو گفت: آقای حزبی، کسی این دوستان را نصیحت کند...

حکت جو حجتی در بدایت میله های زندان او در کج بجهت های حکت جو در زندان تمام آریان های شرق حضور داشت...

حکت جو در زندان مبارزه با رژیم پهلوی را شروع کرد و در این مبارزه ها نقش مهمی ایفا کرد...

حکت جو در زندان مبارزه با رژیم پهلوی را ادامه داد و در این مبارزه ها نقش مهمی ایفا کرد...

حکت جو در زندان مبارزه با رژیم پهلوی را ادامه داد و در این مبارزه ها نقش مهمی ایفا کرد...

